



دانشگاه علوم پزشکی شیراز

دانشکده دندانپزشکی

پایان نامه

جهت دریافت دکترای دندانپزشکی

عنوان

ارزیابی بافت نرم در بالغین (استان فارس) دارای اکلوژن
و رابطه اسکلتی نرمال با استفاده از سفالومتری

استاد راهنما

سرکار خانم دکتر زهره هدایتی

استاد مشاور

سرکار خانم دکتر پریسا صالحی

نگارش

مهدی نعمت‌الهی

سال تحصیلی ۸۳-۸۲

۹۹۲۹۳

۱۳۸۷ / ۷ / ۱۵

کتابخانه تخصصی دندانپزشکی
شیراز

« بسمه تعالی »

دانشگاه علوم پزشکی شیراز

دانشکده دندانپزشکی

با تأییدات خداوند متعال و با استعانت از حضرت ولیعصر (عج) جلسه دفاع از

پایان نامه آقای مهدی نعمت‌الهی

در رشته : دندانپزشکی

تحت عنوان : ارزیابی بافت نرم در بالغین دارای اکلوزن و رابطه

اسکلتی نرمال با استفاده از سفالومتری

با حضور استاد راهنما و هیأت داوران در محل دانشکده دندانپزشکی شیراز

در تاریخ تشکیل شد و از پایان نامه دفاع گردید و با نمره

درجه مورد تصویب قرار گرفت.

-۱

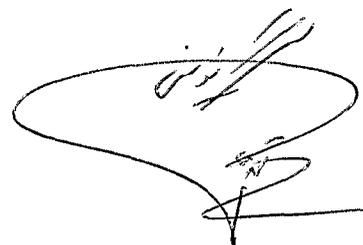
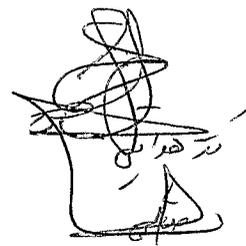
-۲

-۳

-۴

-۵

-۶



۱۵ / ۷ / ۱۳۸۷

ملکا ذکر تو گویم کہ تو پاکی و خدائی

نروم جز بھمان رہ کہ توام راہنمای

ہمہ درگاہ تو جویم ہمہ از فضل تو پیویم

ہمہ توحید تو گویم کہ بتوحید سزائی

تو حکیمی تو عظیمی تو کریمی تو رحیمی

تو بـرازندہ فضلی تو سزاوار ثنائی

نتوان وصف تو گفتن کہ تو درشمہ نگنجی

نتوان شبہ تو بستن کہ تو حر و ہمہ نیایی

تقدیم به :

مادر

او که تصویرگر زیباترین صحنه‌های عشق،
محبت و ایثار در زندگی بود و ذره و ذره وجود
را مدیون فداکاریها و مهربانیهای او هستیم.

خواهر

او که حضورش طراوت بخش زندگی است.

و پداری

که ستون و تکیه‌گاه استوار زندگی است.

تقدیم به اساتید گرامی و فرزانه

سرکار خانمها دکتر زهره هدایتی و

دکتر پریسا صالحی

که این تحقیق حاصل راهنماییها و

تلاشهای ارزشمند و استادانه این عزیزان

است. تلمذ در مکتب این اساتید و

بهره‌مندی از بی‌کران علم و معرفتشان

افتخاری است که نصیب من شد. تا

همیشه مدیون و سپاسگزار این سروران

هستم.

من لم يشكر المفلوح

تقديم به اساتید دانشکده دندانپزشکی

و ای کاش این اندک، می‌توانست گوشه‌ای ناچیز از

زحمات ایشان را جبران نماید.

با آرزوی سلامتی و موفقیت روزافزون برای این عزیزان .

چکیده

هدف: بررسی بافت نرم صورت بالغین دارای اکلوزن و رابطه اسکلتی نرمال با استفاده از سفالومتری

گروه مورد بررسی: دانشجویان مشغول به تحصیل در دانشگاههای سراسری

شیراز از مهرماه ۱۳۸۲ تا ابتدای سال ۱۳۸۳

نوع تحقیق: مقطعی (Cross Sectional)

روش تحقیق:

در ابتدا ۱۵۰۰ دانشجو با دامنه سنی ۱۸ تا ۲۴ سال بصورت کلینیکی معاینه شده و ۸۰ نفر از کسانی که دارای اکلوزن کلاس I، نیمرخ مستقیم یا مختصری محذب و صورت متوازن، متناسب و هماهنگ و اورجت و اوربایت نرمال بودند جهت تهیه رادیوگرافی سفالومتری جانبی انتخاب شدند. در مرحله بعد رادیوگرافیهای آنها مورد ارزیابی قرار گرفت و زوایای ANB، SNB، SNA، Go-Gn-SN، FMA و نسبت wit's در آنها اندازه گیری شد و ۴۴ نفر شامل ۲۳ زن و ۲۱ مرد که دارای اندازه های نرمال این زوایا بودند، انتخاب شدند. در پایان مجدداً، بافت نرم صورت ۴۴ نفر انتخاب شده در رادیوگرافیهای سفالومتری جانبی، توسط آنالیزهای Steiner، Ricketts، Merrifield و Holdaway بررسی گردید و مقادیر بدست آمده پس از انجام تستهای آماری (Levene's test, T-test)، با مقادیر استاندارد

داده شده توسط این آنالیزها مقایسه شد. مقایسه داده‌ها، ابتدا بین دو گروه مجزای زن و مرد و سپس با ادغام داده‌های دو گروه زن و مرد بدون (تفکیک جنس) با مقایسه کلی بین میانگین گروه مورد بررسی و استانداردهای موجود قبلی انجام گرفت.

نتایج:

در آنالیز Merrifield، اندازه زاویه Z در دو گروه زن و مرد، تفاوت قابل توجهی نداشت و تقریباً یکسان بود. در آنالیز Ricketts، میانگین فاصله لبهای بالا و پایین از E-line، در دو گروه زن و مرد، تفاوتی نداشت و در هر دو جنس مقادیر مشابهی بدست آمد.

در بررسی با آنالیز Steiner دیده شد که مردان لبهای جلوزده و برجسته‌تری از زنان دارند و میانگین بدست آمده برای گروه مردان بیشتر از زنان بود.

در حالیکه در آنالیز Holdaway، از ۱۱ متغیر اندازه‌گیری شده، تنها ۳ متغیر ضخامت چانه، لب بالا و میزان کشش لب بالا بین دو گروه تفاوت آماری قابل توجهی داشت و سایر متغیرهای اندازه‌گیری شده، تفاوت آماری چشمگیری با هم نداشتند. بررسی این سه متغیر نشان داد که ضخامت چانه، لب بالا و میزان کشش لب بالا در مردان بیشتر از زنان است.

ادغام مقادیر بدست آمده از دو گروه زن و مرد، در آنالیزهای Merrifield، Ricketts و نیز ۸ متغیر آنالیز Holdaway که با هم تفاوت آماری نداشتند و مقایسه میانگین کلی این دو گروه زن و مرد با استانداردهای این آنالیزها نشان داد که کلیه مقادیر بدست آمده در دامنه استاندارد داده شده هستند. ضخامت چانه و لب بالا در مردان بیشتر از مقادیر استاندارد ارائه شده در آنالیزهاست ولی میزان کشش لب بالا در محدوده استاندارد قرار دارد. درحالیکه ضخامت چانه، لب بالا و میزان کششی لب بالا در زنان، کمتر از مقادیر استاندارد، بدست آمد.

بحث:

چهار آنالیز Merrifield، Steiner، Ricketts و Holdaway مقادیری را تحت عنوان مقادیر نرمال و استاندارد ارائه می‌دهد که با توجه به تفاوت‌های قومی نژادی و ژنتیکی موجود میان مردم نقاط مختلف جهان همیشه نمی‌توان این مقادیر را برای همه آنها محسوب کرد بنابراین تهیه اعداد و ارقام و مقادیر نرمال برای هر یک از این اقوام به نظر امری ضروری و درست می‌باشد.

مقایسه بین گروه نرمال مورد بررسی ما و این مقادیر استاندارد نشان داد که اندازه بدست آمده در آنالیز Merrifield، در دامنه استاندارد این آنالیز قرار می‌گیرد. در آنالیز Ricketts نیز، مقدار بدست آمده از گروه ما، در محدوده نرمال استاندارد داده شده این آنالیز قرار دارد. در نتیجه می‌توان مقادیر استاندارد و نرمال داده شده در

این آنالیزها را بعنوان معیار نرمال بودن، جهت گروه مورد بررسی در این تحقیق بکار برد.

ولی طبق آنالیز اشتاینر، مردان نرمال گروه ما دارای لبهای جلوزده و زنان نرمال گروه ما، دارای لبهای عقبرفته بودند، و نیز در آنالیز Holdaway مقادیر به دست آمده از متغیرهای چانه و لب بالا، درمردان، بیشتر از حد نرمال بود و در محدوده استاندارد این آنالیزها نبود در نتیجه نمی توان برای تعیین نرمال بودن چانه و لب بالا، در مردان گروه بررسی ما، از مقادیر استاندارد داده شده در آنالیز Holdaway استفاده کرد. اما سایر متغیرهای اندازه گیری شده در دامنه نرمال آنالیزها قرار داشت. و در مورد زنان نیز بعلاوه اینکه سه متغیر ضخامت چانه، لب بالا و میزان کشش لب بالا کمتر از حد نرمال و استاندارد این آنالیزها بود، نمی توان از این مقادیر، استاندارد بعنوان ملاک نرمال بودن زنان گروه مورد بررسی ما، استفاده کرد. سایر متغیرهای اندازه گیری شده در گروه زنان، در دامنه نرمال و استاندارد آنالیزها بود.

نتیجه گیری نهایی :

بر خلاف تصور و فرضیه اولیه مبنی بر احتمال وجود تفاوت های بسیار در مقادیر نرمال آنالیزهای بافت نرم نمونه های ما با مقادیر ارائه شده اصلی و استاندارد، که به دلیل وجود اختلاف نژادی بین مردم نقاط دنیا می باشد، نتایج این تحقیق

نشان داد که جز آنالیز اشتاینر (به میزان کم و نزدیک به محدوده نرمال) و در آنالیز (Holdaway) و آن هم تنها در سه مورد از اندازه‌گیری‌ها، تفاوت چشمگیر آماری بین افراد مورد تحقیق و بررسی ما با نمونه‌های ارائه شده خارجی وجود نداشته و لذا مقادیر استاندارد و ارائه شده قبلی در دو آنالیز Merrifield و Ricketts، برای بررسی بافت نرم در گروه آماری مورد مطالعه ما نیز کاربرد دارد.

ولی از آنالیز Holdaway باید با احتیاط بیشتری برای مقایسه استفاده نمود و مقادیر بدست آمده کنونی را جهت ارزیابی مدنظر قرار داد و استفاده نمود. و نیز آنالیز اشتاینر و موقعیت لبهای نرمال نسبت به خط S-line باید مورد توجه و بررسی دقیق‌تر قرار بگیرد.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول : (مقدمه و کلیات)
۱-۱.....	۱-۱ : زیبایی و زیباشناسی
۲.....	۲-۱ : هدف از زیبایی چیست؟
۳.....	۳-۱ : معرفی طرح
۶.....	۴-۱ : فرم سر
۹.....	۱-۴-۱ : فرم سر دیناریک
۱۱.....	۵-۱ : فرم و الگوی صورت
۱۲.....	۶-۱ : تفاوت‌های طبیعی فرم صورت
۱۳.....	۷-۱ : تفاوت‌های نژادی فرم صورت
۱۵.....	۸-۱ : خصوصیات صورتی مردان در مقابل زنان
۱۹.....	۹-۱ : خصوصیات صورتی کودک در مقابل بزرگسال
۲۱.....	۱۰-۱ : ارزیابی نسبت‌های صورت
۲۱.....	۱-۱۰-۱ : زیبایی صورت و نسبت‌های آن
۲۲.....	۲-۱۰-۱ : معاینه از روبرو
۲۵.....	۳-۱۰-۱ : ارزیابی نیمرخ
۳۰.....	۱۱-۱ : ارزیابی سفالومتریک

۱۲-۱ : جمع‌بندی ۳۲

فصل دوم : پیشینه و زمینه تحقیق ۳۴

فصل سوم : آنالیزهای مورد استفاده در این تحقیق

۱-۳ : آنالیز اشتاینر ۴۳

۲-۳ : آنالیز ریکتز ۴۶

۳-۳ : آنالیز مریفیلد ۴۷

۴-۳ : آنالیز هالدوی ۵۰

فصل چهارم :

۱-۴ : طرح تحقیق ۵۹

۲-۴ : روش اجرای طرح و انتخاب نمونه‌ها ۶۰

فصل پنجم :

۱-۵ : نتایج ۶۴

۲-۵ : بحث و نتیجه‌گیری ۷۳

منابع ۸۰

فصل

اول

مقدمه و کلیات

۱-۱: زیبایی و زیباشناسی: (Beauty & Esthetics)

زیبایی (Beauty) چیزی است که یک حس خوشایند و ارضا کننده را در انسان برمی‌انگیزد. زیبایی‌شناسی (Esthetics) یک لغت یونانی و به معنی ادراک است و به مطالعه زیبایی و به معنای وسیع کلمه به بررسی روش‌های احساس محیط و موقعیت فرد در داخل آن می‌پردازد و از شاخه‌های اصلی فلسفه است. (۱)

چنین گفته می‌شود که زیبایی در چشم بیننده است، اما چیزی واقعاً زیبا گفته نمی‌شود مگر آنکه احساس خوشایندی را برانگیزد. این سطح از احساس در قسمت آگاهانه مغز (نئوکورتکس) وجود ندارد، بلکه در ناحیه نیمه آگاهانه یا اولیه مغز که سیستم لیمبیک نام دارد قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد سیستم لیمبیک حاوی گزینه و دارای رفلکس‌های شرطی است. بنابراین برای درک زیبایی نیاز به یک پیش زمینه قبل می‌باشد (۱) به همین دلیل درک زیبایی در طول زمانها و فرهنگ‌های مختلف متفاوت است (۱)

زیبایی چیزی نیست که مانند سرما و گرما مستقیماً احساس شود. هگل در این مورد می‌گوید: "چنین به نظر می‌رسد که حس زیبایی حسی نیست که طبیعت آنرا به ما داده باشد و مانند یک گزینه کور بتوانیم در نهایت ذات، زیبایی را آنآ تشخیص دهیم، این حس نیاز به آموزش دارد و حس زیبایی آموزش یافته را سلیقه می‌گوییم. این سلیقه است که می‌گوید چه چیز زیباست و سلیقه، خود محصول یک آموزش است. (۲)

فردی که در نظر بعضی نژادها دارای جاذبه و زیبایی است، در نظر بعضی نژادهای دیگر جاذبه ندارد. در نظر ما ایرانی‌ها، چشم بادامی ژاپنی‌ها، لبهای کلفت و بینی بزرگ و پهن سیاهپوستان چندان پسندیده نیست. ولی همین خصوصیات در نظر هموطنان آنان زیبایی خاصی دارد. اما علی‌رغم تفاوت‌های موجود، ایده‌آل‌های زیبایی وجود دارد که از زمانی که فلاسفه یونانی، علم زیباشناسی را بوجود آورده‌اند، تغییرات بسیار کمی کرده‌اند.

۱-۲: هدف از زیبایی چیست؟

دلیل اینکه بایستی به دنبال زیبایی بود کدام است؟ زیگموند فروید در کتاب "ناآرامی در فرهنگ" حاصل زیبایی را چنین وصف می‌کند: "زندگی چنانچه به ما داده شده برای ما خیلی سخت است و رنج‌ها و مشکلات غیرقابل حل به همراه دارد. برای تحمل این زندگی، ما نیازمند تسکین دهنده‌ای هستیم. رنج و ناآرامی، بیش از هر چیز نتیجه ارضا نشدن غرایز ماست." به نظر فروید یک راه نجات و تسکین این است که بشر وابستگی خود را از دنیا از بین ببرد و ارضا خویش را در فرآیندهای درون روانی بجوید. لذت بردن از هنر - بعنوان محمل ارزش‌های زیبا شناختی - را فروید یکی از امکانات این ارضاء رویایی می‌داند. هنر و زیبایی همیشه در ارتباط با هم بوده‌اند و به این ترتیب فروید به طور مستقیم زیبایی را نوعی تسکین دهنده می‌داند (۲)

مفهوم زیبایی را می‌توان به زیبای فیزیکی، هارمونی ساختمانی، تعادل و هماهنگی محدود کرد. اما بعضی از افرادی که از نظر فیزیکی غیرجذاب هستند به خاطر شخصیتشان زیبا به نظر می‌آیند. بنابراین زیبایی همیشه نمی‌تواند محدود به شکل فیزیکی باشد، چرا که صورت انسان بطور قابل توجهی تظاهری از حالات مختلف است. (۱)

۱-۳: معرفی طرح:

تاریخ پر از شواهد و مدارکی است که نشان می‌دهد مردم برای رسیدن به جذابیت و زیبایی بیشتر تلاش زیادی کرده‌اند و در طول قرن‌ها، زیبایی صورت موضوع مورد علاقه تمام فرهنگها بوده است (۳). از زمانهای قدیم نیز ارتدنتیست‌ها، هارمونی و زیبایی صورت را همراه فانکشن اکلوزالی خوب، دو هدف اصلی درمانهای خود قرار داده‌اند و زمان طولانی است که تشخیص داده‌اند که اکلوزن و زیبایی صورت آنقدر با هم در ارتباطند که باید بطور همزمان و مساوی جزء اهداف درمانی قرار گیرند (۴). افراد زیادی تلاش کرده‌اند که نرم‌های سفالومتریک و آنالیزهایی برای مشخص کردن خصوصیات اسکلتی یک صورت خوب و اکلوزن نرمال ارائه دهند (۵). بعنوان مثال E.H.Angle، پیشنهاد داد که اگر دندانها در موقعیت مطلوبی قرار داشته باشند، هارمونی صورتی خوبی بدست می‌آید (۶) تلاشهایی نیز

برای بدست آوردن یک معیار ارزیابی نیمرخ صورتی انجام شده است. مانند پلن

زیبایی Ricketts، خط Holdaway و آنالیز بافت نرم Burstone (۷)

تحقیقات زیادی نیز وجود دارند که توضیح می‌دهند که بافت‌های نرم که در ضخامت، تفاوت قابل ملاحظه‌ای دارند فاکتور مهمی در تعیین نیمرخ نهایی صورت بیمار هستند (۶). Czarnicki در ۱۹۹۳ پیشنهاد داد که اهداف درمان ارتدندسی باید بجای رسیدن به پارامترهای استاندارد غیرقابل انعطاف دندان‌ی و اسکلتی به سمت بدست آوردن چهره‌های متناسب و هارمونیک جهت داده شوند و نیز درمان نوجوانان باید شامل تغییراتی در ضخامت بافت نرم بینی و لبها و چانه بشود (۷).

مطالعات گسترده و اندازه‌گیری صورتها، نرم‌های مختلفی را نشان داده است که ارتدنتیست‌ها می‌توانند از آنها در بررسی و آنالیز بافت نرم و ارتباط بین آنها استفاده کنند (۳). امروزه دیگر مرسوم شده است که هدف درمان را براساس بدست آوردن توازن و هماهنگی کلی صورتی قرار دهند، در حقیقت نقطه نظرها از درمان زیبایی دندان‌ی به سمت درمان زیبایی صورت رفته است (۷). برای رسیدن به این اهداف لازم است صورتهای مختلف بررسی و تفاوت‌های آنها در زیبایی مشخص شود (۷).

امروزه به نظر می‌رسد که استانداردهای سفالومتریک برای یک گروه نژادی الزاماً در مورد سایر گروه‌های نژادی بکار نمی‌رود. ارتدنتیست‌ها معتقدند که بر این اساس باید استانداردهای سفالومتریک به تدریج برای کشورهای مختلف و برای

گروههای نژادی مختلف در هر قرن تعریف شود. (۵) نتایجی که از تحقیقات Ruth Gleis نیز بدست آمده است نشان می‌دهد که نرم‌های سفالومتریک برای گروههای نژادی مختلف فرق می‌کند (۵) هارمونی و هماهنگی صورت مفهومیهای ثابتی نیستند. استانداردهای زیبایی در بین افراد مختلف گروههای نژادی و تطابق با معیارهای اقتصادی و اجتماعی به شدت متفاوت است و این بستگی به چشمهای ناظر دارد. اما درک ضروریات زیبایی برای ارتدنتیست‌ها به منظور تشخیص خصوصیات نرمال از غیرنرمال ضروری است (۷).

نیمرخ بافت نرم نقش مهمی را در ملاحظات ارتدنتیسی بازی می‌کند. معمولاً هنگامیکه مال اکلوزنها تصحیح می‌شوند، موجب تغییراتی در ظاهر می‌شوند که مطلوب و مورد علاقه است، ولی بهر حال بیشتر ارتدنتیست‌ها که چندین سال است به درمان مشغولند باید تجربیات ناخوشایندی از این یافته داشته باشند که صورت بیماران قبل از تصحیح ارتدنتیسی، بهتر از صورتی که آنها ساخته‌اند، به نظر می‌رسید (۸). از این رو مهم‌ترین هدف ما می‌تواند این باشد که ظاهر بافت نرم را به صورت زیبای Stereo type که در فرهنگ ماست نزدیک کنیم. در هر حال در فلسفه درمان همیشه هارمونی صورت و زیبایی، هدف نهایی درمان است. پیروی و پایبندی انعطاف‌ناپذیر از نرم‌های اسکلتی و نرم‌های جوامع دیگر در طرح درمان، خطاهای جدی در فلسفه این نوع درمانهاست (۷).